

روابط رژیم صهیونیستی و قزاقستان

سعید وثوقی^۱

عسگر صفری^۲

دکترین اتحاد پیرامونی رژیم صهیونیستی همواره راهی برای افزایش امنیت، گسترش روابط اقتصادی و نیز کاهش انزوای این دولت در عرصه منطقه‌ای بوده است. به دنبال تغییر و یا از بین رفتن وضعیت منطقه‌ای مورد دلخواه؛ رژیم صهیونیستی تلاش کرده است از طریق ارتباط با دولت‌های پیرامونی بر انزوای خود غلبه کند. طی دهه‌های متوالی این دکترین شکل نسبتاً ثابتی داشت؛ تحولات منطقه خاورمیانه از سال ۲۰۱۱ به بعد باعث شد که دکترین اتحاد پیرامونی فرم و محتوای جدیدی به خود گرفته و رژیم صهیونیستی تلاش می‌کند، مناطق و کشورهای جدیدی را به دکترین اتحاد پیرامونی کلاسیک خود اضافه کند. یکی از مناطقی که در این اتحاد پیرامونی جدید جایگاه برجسته‌ای دارد، منطقه آسیای مرکزی و قفقاز است. در میان کشورهای آسیای مرکزی نیز قزاقستان به دلیل تأثیرگذاری سیاسی و اقتصادی این کشور در عرصه منطقه‌ای اهمیت به‌سزایی برای رژیم صهیونیستی پیدا کرده است. هدف این مقاله واکاوی ماهیت و ساز کار استراتژی پیرامونی جدید رژیم صهیونیستی و اهداف این دولت در منطقه آسیای مرکزی در بعد از تحولات ۲۰۱۱ است. این مقاله به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که مهم‌ترین دلایل و انگیزه‌های ورود رژیم صهیونیستی به منطقه آسیای مرکزی و تعمیق روابط با کشورهای نظیر قزاقستان چیست؟ یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که در استراتژی پیرامونی جدید رژیم صهیونیستی، گسترش به فراسوی منطقه خاورمیانه جایگاه اساسی دارد و در این میان مناطقی و کشورهایی که بتوانند از لحاظ سیاسی و اقتصادی به خروج از انزوای رژیم صهیونیستی در شرایط جدید کمک کنند اهمیت به‌سزایی دارند. آسیای مرکزی به دلیل اهمیت استراتژیک و ژئوپلیتیک و همچنین ظرفیت‌های اقتصادی بالقوه خود تأمین‌کننده این نیاز است.

واژگان کلیدی: اتحاد پیرامونی جدید، رژیم صهیونیستی، آسیای مرکزی، قزاقستان، امنیت و انرژی.

^۱ نویسنده مسئول، استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه اصفهان، اصفهان ایران.

Email: S.Vosoughi@ ase.ui.ac.ir

^۲ دانشجوی دکتری رشته روابط بین الملل دانشگاه گیلان، رشت، ایران. Email:khiyav2013@ gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۶/۱/۱۶ و تاریخ پذیرش: ۹۶/۳/۳

مقدمه

یکی از ویژگی‌های اصلی تفکر امنیتی رژیم صهیونیستی طی دهه‌های گذشته توسعه مفهوم "استراتژی بزرگ"^۱ برای هماهنگی منابع و ظرفیت‌های داخلی در جهت به دست آوردن اهداف منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. حتی قبل از شکل‌گیری رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸ بسیاری از نخبگان سیاسی از جمله بن‌گورین^۲ به دنبال ایجاد مجموعه‌ای از مفاهیم و استراتژی‌ها برای غلبه بر خصومت جهان عرب علیه دولت رژیم صهیونیستی بودند. برای بقا در یک محیط خصومت‌آمیز و پیگیری اهداف سیاسی و امنیتی، رژیم صهیونیستی به دنبال یک استراتژی بود که تا حدی زیادی مبتنی بر خودباری باشد. نتیجه‌بخش نبودن اقدامات نظامی برای پایان دادن به اختلاف رژیم صهیونیستی و جهان عرب این رژیم را متقاعد کرده بود که برای پیگیری اهداف خود باید از طریق دور زدن کشورهای عرب منطقه خاورمیانه ارتباط خود را با کشورهای غیر عرب منطقه و همچنین بازیگران غیردولتی ارتقا ببخشد.

نتیجه تلاش نخبگان سیاسی و اقتصادی رژیم صهیونیستی برای تعریف یک استراتژی بزرگ منجر به شکل‌گیری دکترین اتحاد پیرامونی^۳ شد که در دهه ۵۰ میلادی توسط بن‌گورین تدوین و به اولویت اول سیاست خارجی رژیم صهیونیستی تبدیل شد. در قالب این استراتژی، رژیم صهیونیستی از طریق برقراری ارتباط با کشورهایمانند ترکیه، ایران و همچنین گروه‌های قومی و مذهبی نظیر کردها و مسیحی‌ها تاندازه‌ای از انزوای ایجادشده برای این رژیم خارج شد. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه^۴ با گرایش‌های مذهبی در ترکیه و نیز تحولات منطقه خاورمیانه باعث شد که اثرگذاری این استراتژی تا حدی زیادی کاهش یابد. گرایش به تعمیق روابط با قدرت‌های جهانی از جمله ایالات متحده آمریکا و کشورهای اتحادیه اروپا در دهه گذشته برای جبران این نقصان در استراتژی بزرگ رژیم صهیونیستی بوده است.

^۱. Grand Strategy

^۲. David Ben-Gurion

^۳. Periphery Doctrine

^۴. Justice and Development Party

تحولات سال ۲۰۱۱ منطقه خاورمیانه و شکل‌گیری الگوی جدیدی از نظم و امنیت منطقه‌ای باعث بازگشت رژیم صهیونیستی به دکترین پیرامونی کلاسیک خود شد. با توجه به ماهیت تهدیدهای جدید از جمله شکل‌گیری گروه‌های رادیکال اسلامی در پیرامون رژیم صهیونیستی و نیز تغییر در الگوهای دوستی و دشمنی در منطقه خاورمیانه، تدوین و پیاده‌سازی استراتژی جدید برای مقابله با این تهدیدها اجتناب‌ناپذیر بود. البته رژیم صهیونیستی در تلاش برای تحقق این امر از طریق به‌روزرسانی استراتژی بزرگ کلاسیک خود سعی در پیش برد اهداف منطقه‌ای و بین‌المللی دارد. در این دکترین پیرامونی جدید اهداف، انگیزه‌ها و همچنین مناطق و کشورهایی به دکترین کلاسیک اضافه شده است که نشان‌دهنده تمایل رژیم صهیونیستی برای گسترش به فراسوی منطقه خاورمیانه است. در این دکترین جدید، آسیای مرکزی و قفقاز از جمله مناطقی است که برای رژیم صهیونیستی حائز اهمیت تلقی شده است و در چشم‌انداز این دکترین، رژیم صهیونیستی باید روابط گسترده‌ای را با کشورهای این منطقه ایجاد کند. پرسشی که این مقاله تلاش می‌کند به آن پاسخ دهد عبارت از این است که مهم‌ترین دلایل و انگیزه‌های ورود رژیم صهیونیستی به منطقه آسیای مرکزی و تعمیق روابط با کشورهای نظیر قزاقستان چیست؟ در پاسخ با به‌کارگیری روش توصیفی - تحلیلی مقاله استدلال خواهد کرد که در استراتژی پیرامونی جدید رژیم صهیونیستی گسترش به فراسوی منطقه خاورمیانه جایگاه اساسی دارد و در این میان مناطقی و کشورهایی که بتوانند از لحاظ سیاسی و اقتصادی به خروج از انزوای رژیم صهیونیستی در شرایط جدید کمک کنند، اهمیت به‌سزایی دارند. آسیای مرکزی به دلیل اهمیت استراتژیک و ژئوپلیتیک و همچنین ظرفیت‌های اقتصادی بالقوه خود تأمین‌کننده این نیاز است

چارچوب مفهومی

رژیم صهیونیستی همواره به دنبال پیگیری استراتژی بوده است که از طریق آن بتواند بر انزوای خود در منطقه خاورمیانه غلبه کرده و نقش فعالی را در موضوعات منطقه‌ای داشته باشد. با توجه به اختلاف تاریخی رژیم صهیونیستی با جهان عرب، برقراری ارتباط با کشورهای غیرعرب و اقلیت‌های مذهبی و نژادی موجود در منطقه مهم‌ترین ابزار رژیم صهیونیستی برای دستیابی به این استراتژی بوده است. این تمایل در دهه‌های اول شکل‌گیری رژیم صهیونیستی بیشتر از طریق استراتژی اتحاد پیرامونی پیگیری می‌شد که به‌وسیله بن‌گورین، اولین

نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی مطرح شده بود. " از اواسط دهه ۵۰ میلادی به بعد رژیم جوان و آسیب‌پذیر صهیونیستی به تهدیدها از سوی دولت‌های متخاصم عربی از طریق دکترین "اتحاد پیرامونی" پاسخ می‌داد. این دکترین تفکری برای دور زدن کشورهای عرب خاورمیانه و گسترش روابط با کشورهای غیرعرب یا غیرمسلمان و از لحاظ جغرافیایی دور از دولت‌های عربی بود. این رویکرد خود متأثر از تفکری بود که از اوایل دهه ۲۰ میلادی و به رهبری شبه دولت ییشو^۱ یا جمعیت یهودی در فلسطین، شروع شده بود" (Alpher, 2013:2).

شرایط به وجود آمدن رژیم صهیونیستی و تمایل آن برای تسلط بر سرزمین‌های فلسطین این رژیم را برای تجمیع قدرت و به وجود آوردن توازن قدرت در منطقه به صورتی که تأمین‌کننده منافع آن باشد، ترغیب می‌کرد. کشورهای منطقه خاورمیانه، رژیم صهیونیستی را به‌عنوان دولتی غاصب تلقی کرده و از تلاش‌های آن برای ایجاد سلطه در منطقه نگران بودند. در این شرایط به وجود آوردن شرایطی که بتواند تهدیدهای موجود علیه رژیم صهیونیستی را از بین برده و شکل‌گیری قدرت‌های رقیب در منطقه را خنثی کند برای رژیم صهیونیستی حائز اهمیت بود. استراتژی اتحاد پیرامونی این خواسته رژیم صهیونیستی را تأمین می‌کرد. چشم‌انداز اختلاف با کشورهای عربی و همچنین بی‌نتیجه بودن تلاش‌ها برای رسیدن به صلح، رژیم صهیونیستی را تشویق به برقراری ارتباط با کشورهای نظیر ایران، ترکیه، مراکش و اقلیت‌های مذهبی و قومی مانند کردها و مسیحی‌ها در منطقه می‌کرد. " اگرچه شاه ایران هرگز به‌صورت رسمی رژیم صهیونیستی را به رسمیت نشناخت با این‌وجود روابط میان دو کشور مبتنی بر منافع مشترک ژئوپلیتیک بود. تا قبل از انقلاب اسلامی، ایران همچون گوهری در تاج استراتژی اتحاد پیرامونی رژیم صهیونیستی بود" (Kaye et al, 2011:10).

رژیم صهیونیستی از طریق اتحاد پیرامونی، جاه‌طلبی‌های سرزمینی را نیز دنبال می‌کرد. طی گفت‌وگوهای پنهانی با شرکای فرانسوی و بریتانیای خود در جریان مداخله ۱۹۵۶ سوئز، بن‌گورین تغییر رژیم در مصر و انضمام صحرای سینا، کرانه‌های غربی و سرزمین‌های لبنان تا لیتانی^۲ و همچنین تشکیل دولت مسیحی مارونی و به دست گرفتن کنترل خلیج عقبه^۳ و تنگه تیران^۴ را پیشنهاد کرد که با مخالفت فرانسه روبه‌رو شد؛ اما

^۱. Yishuv

^۲. Litani River

^۳. Gulf of Aqaba

^۴. Straits of Tiran

بخشی از این جاه‌طلبی‌های سرزمینی در جنگ پیش‌دستانه‌ای که رژیم صهیونیستی در ۱۹۶۷ به راه انداخت، نمود یافت. زمانی هم که بگین^۱ در ۱۹۷۷ به نخست‌وزیری رسید، مصمم به ایجاد هژمونی رژیم صهیونیستی در منطقه و شکل دادن به توازن قوایی بود که در آن رژیم صهیونیستی قدرت برتر را داشته باشد. بسیاری از موانع محدودکننده جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای رژیم صهیونیستی با پیمان کمپ دیوید^۲ از بین رفت؛ جایی که در آن مصر به عنوان مهم‌ترین بازدارنده جاه‌طلبی‌های رژیم صهیونیستی از دور خارج شد. آریل شارون^۳ عقیده داشت، منحل کردن دولت‌های پیرامون رژیم صهیونیستی در داخل واحدهای قبیله‌ای، سلطه رژیم صهیونیستی بر منطقه را تثبیت می‌کند. اقدامات نظامی به‌عنوان بدیلی برای این بی‌ثبات‌سازی در منطقه در نظر گرفته می‌شد (Ahmad, 2014:82-83).

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، پایه‌های دکترین اتحاد پیرامونی رژیم صهیونیستی را به شدت تضعیف کرد.^۴ از دید ایران و به‌ویژه رهبر انقلاب ایران آیت‌الله خمینی (ره) به رسمیت شناختن (حتی به صورت غیررسمی) و حفظ روابط با رژیم صهیونیستی ویژگی‌های اسلامی و وظایف ایران در قبال مسلمین جهان به‌عنوان ام‌القرآی اسلام را زیر سوال می‌برد. زیرا در جهان اسلام، رژیم صهیونیستی اساساً به‌عنوان دولتی غیرمشروع و تهدیدکننده تمدن اسلامی در نظر گرفته می‌شد به‌ویژه از نگاه امام خمینی (ره)، بسیاری از مردم ایران روابط شاه با رژیم صهیونیستی را توهین‌آمیز و خائنانه تلقی می‌کردند و ادامه روابط با این دولت را قابل قبول نمی‌دانستند. در بسیاری از سخنرانی‌ها، امام خمینی (ره) تأکید داشت که صهیونیسم دشمن بشریت است و صهیونیست‌ها تلاش دارند، اسلام را ریشه‌کن کرده و بر جهان مسلط شوند. وی عقیده داشت که رژیم صهیونیستی باید از صحنه روزگار حذف شود" (Vameghi, 2010:6).

انقلاب اسلامی ایران و تحولات منطقه خاورمیانه، سیاست خارجی رژیم صهیونیستی در این منطقه را با بن‌بست مواجه کرد با این‌وجود فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی باعث شد تا فضای جدیدی برای رژیم صهیونیستی فراهم گردد که از طریق آن بتواند، اولاً حوزه‌های استراتژی اتحاد پیرامونی را گسترش داده و ثانیاً بتواند در مقابل رقیب جدید خود، ایران

^۱. Menachem Begin

^۲. Camp David Accords

^۳. Ariel Sharon

ایستادگی کند. در دوران پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به دلیل تغییرات صورت گرفته در محیط بین‌المللی، رژیم صهیونیستی به دنبال متحدان جدید و تعریف نقش جدید برای خود در داخل استراتژی‌های جهانی ایالات متحده آمریکا بود. در این شرایط رژیم صهیونیستی به دنبال شکل دادن به شبکه‌ای از متحدان در مناطقی مانند قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی در برابر رقیب جدید (جمهوری اسلامی ایران) از طریق تعمیق روابط با کشورهایمانند آذربایجان و قزاقستان بود. در این استراتژی رژیم صهیونیستی به دنبال توسعه منافع مشترک با ایالات متحده آمریکا در مورد کشورهای تازه مستقل شده آسیای مرکزی، جهت جلوگیری از انتشار اسلام رادیکال؛ گسترش سلاح‌های هسته‌ای و تأمین امنیت انرژی برای غرب بود؛ بنابراین از دهه ۹۰ میلادی به بعد، رژیم صهیونیستی چه در قالب همکاری با ایالات متحده آمریکا و چه در قالب همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه با کشورهای آسیای مرکزی به دنبال بسط نفوذ خود در این منطقه بوده است (Murinson, 2014:14).

بهار عربی و تحولات خاورمیانه از سال ۲۰۱۰ به بعد باعث تجدید استراتژی قدیمی سیاست خارجی رژیم صهیونیستی در قالب اتحاد پیرامونی جدید شد. در تلاش برای مقابله با تهدیدهایی که حیات استراتژی پیرامونی را تهدید می‌کرد، نیاز بود که استراتژی قدیمی در قالب و شکل جدیدی احیا شود. استراتژی پیرامونی جدید در تعداد متحدان، انگیزه‌ها و اهداف و راه‌های دستیابی به آن، متفاوت از نوع قدیمی آن بود. این استراتژی به دنبال ارتباط با حلقه‌های سوم و چهارمی از کشورها، دولت‌های آسیای مرکزی و قفقاز، دولت‌های میانه‌رو منطقه خاورمیانه، کشورهای شمال آفریقا و منطقه مدیترانه است (Kostenko, 2017:103).

شرایط جدید رژیم صهیونیستی هم از دیدگاه نظامی و هم از لحاظ اقتصادی متفاوت از شرایط این کشور در سال‌های اولیه شکل‌گیری بود. ماهیت تهدیدهایی که رژیم صهیونیستی از سال ۲۰۱۱ به بعد با آن روبه‌رو بود، تغییر پیدا کرده بود. قبلاً تهدیدهای اصلی علیه رژیم صهیونیستی جنگ و همچنین ترس از شکل‌گیری ائتلاف گسترده‌ای از کشورها و دولت‌های عربی علیه رژیم صهیونیستی بود، اما از سال ۲۰۱۱ به بعد مهم‌ترین تهدیدهایی که رژیم صهیونیستی با آن مواجه بود، عبارت بودند از ترس از تروریسم که امکان داشت از سلاح‌های کشتار جمعی برای دستیابی به اهداف خود استفاده کنند، تلاش‌هایی که از سوی دولت‌های مختلف برای غیرمشروع جلوه دادن رژیم صهیونیستی صورت می‌گرفت و همچنین روابط با کشورهای حاشیه‌ای که به‌رغم تهدیدها اهمیت به‌سزایی برای رژیم صهیونیستی

داشتند. در این شرایط رژیم صهیونیستی به دنبال ارتباط با بازیگران دیگر از جمله کشورهای اسلامی به‌ویژه کشورهای آسیای مرکزی بود. (Kostenko, 2017:104)

یکی از محورهایی که در استراتژی پیرامونی جدید برجستگی ویژه‌ای دارد، تمرکز ایده‌پردازان رژیم صهیونیستی بر روی روابط اقتصادی است. در این استراتژی شناسایی مناطق و کشورهای که از لحاظ اقتصادی منافع کوتاه‌مدت و بلندمدت رژیم صهیونیستی را تأمین می‌کنند، اهمیت به‌سزایی دارد. با درس از استراتژی پیرامونی کلاسیک، سیاست‌گذاران رژیم صهیونیستی موظف به برقراری ارتباط با پیرامون جدید هستند که تأمین‌کننده منافع این کشور باشد. جنبه اقتصادی روابط در داخل چارچوب استراتژی پیرامونی جدید به معنی تعریف حوزه‌های جدیدی از فعالیت‌های اقتصادی به‌ویژه در زمینه انرژی و بخش‌هایی است که رژیم صهیونیستی توان و تخصص‌های ویژه‌ای در آن دارد. بخش کشاورزی یکی از این حوزه‌ها است. رژیم صهیونیستی قصد دارد تا سال ۲۰۲۵ به پانزدهمین اقتصاد برتر جهان تبدیل شود. وزیر اقتصاد و صنایع رژیم صهیونیستی الی کوهن^۱ عقیده دارد که قدرت رژیم صهیونیستی متکی بر رشد اقتصادی است وی عقیده دارد، قدرت و توانایی رژیم صهیونیستی در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی وابسته به رشد اقتصادی این کشور است (Ahren, 2017).

هسته مرکزی استراتژی پیرامونی جدید گسترش به سمت فراسوی منطقه خاورمیانه است. در این پیرامون جدید کشورهایمانند آذربایجان در شمال، یونان، قبرس، بلغارستان، مرزهای زمینی و دریایی با ترکیه، اتیوپی و سودان جنوبی به عنوان سمبلی از تداوم پیرامون کلاسیک و همچنین کشورهای آسیای مرکزی که در شمال ایران واقع شده‌اند و نیز کشورهایمانند کنیا و اوگاندا در شرق آفریقا، حتی مناطقی مانند اریتره جنوبی، سودان در نزدیکی تنگه باب‌المندب^۲ و خطوط دریایی در دریای سرخ اهمیت به‌سزایی دارند. در یک نگرش جامع‌تر این پیرامون جدید شامل مراکش در شمال غربی آفریقا، عراق و کردستان عراق، ارتباط با بربرهای ساکن در کشورهایمانند مراکش و الجزایر است. برخی دیگر عقیده دارند که پیرامون جدید رژیم صهیونیستی بیش‌تر متمایل به سمت اروپا و کشورهایمانند رومانی، آلبانی و ایتالیا است (Kostenko, 2016:136).

^۱. Eli Cohen

^۲. Bab-El-Mandeb Strait

آسیای مرکزی و قفقاز را می‌توان نقاط عطفی در استراتژی پیرامونی جدید رژیم صهیونیستی دانست. با توجه به سابقه نسبتاً خوب رژیم صهیونیستی با منطقه آسیای مرکزی و قفقاز کشورهای این منطقه از جمله گزینه‌های بسیار مناسبی هستند که می‌توانند، رژیم صهیونیستی را در زمینه دستیابی به اهداف خود کمک کنند.^۱ کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز می‌توانند نقش بین‌المللی جدیدی را برای رژیم صهیونیستی جدا از اختلافات موجود در خاورمیانه تعریف کنند. در این نقش جدید، رژیم صهیونیستی به‌جای تمرکز بر اختلافات به دنبال بهره‌برداری از منافع اقتصادی و انرژی خواهد بود. این اتحاد می‌تواند، گرایش‌های سکولار را در جهان اسلام تقویت کرده و چهره رژیم صهیونیستی را به‌عنوان قدرت منطقه‌ای بازتاب دهد. این تصویرسازی بیشتر مدیون مهارت‌های فناورانه و سازوکارهای اقتصادی رژیم صهیونیستی است تا نقش رژیم صهیونیستی به‌عنوان کشور درگیر در جنگ. جنبه منفی این اتحاد برای رژیم صهیونیستی نیز جانب‌داری و ارتباط با رژیم‌های دیکتاتوری است که مشروعیت آنها ممکن است در سال‌های آینده دچار چالش شود" (Laruelle, 2012:3).

عقیده کلی بر این است که حداقل در کوتاه‌مدت امکان روی دادن حوادث مشابهی که در منطقه خاورمیانه به وقوع پیوسته در منطقه آسیای مرکزی بسیار کم است. ریموند هینه بوش^۱ عقیده دارد این عامل متأثر از ویژگی‌های منطقه آسیای مرکزی است. به عقیده وی "بسیاری از کشورهای منطقه خاورمیانه از دل مبارزه برای استقلال به وجود آمدند و بعد از استقلال هم در اثر بی‌ثباتی‌های موجود و جنگ ضعیف شدند؛ در مقابل کشورهای منطقه آسیای مرکزی بدون اختلاف‌های شدید و با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی مستقل شدند و جنگ‌های بین‌دولتی را تجربه نکردند. علاوه بر این، آنها همانند کشورهای خاورمیانه به دلیل شرایط سال‌های اولیه بعد از استقلال شاهد رشد عوامل بی‌ثبات‌ساز نیستند. از طرفی درحالی‌که بسیاری از کشورهای خاورمیانه برای مشروعیت بخشیدن به خود متکی به شعارهای ضدامپریالیستی و میهن‌پرستی عربی هستند، بسیاری از کشورهای منطقه آسیای مرکزی ارتباط نزدیکی با دولت روسیه، دارند. همچنین طی بهار عربی، بسیاری از کشورهای آسیای مرکزی به‌جای تقویت بی‌ثباتی علیه همدیگر، همکاری‌های گسترده‌ای را برای جلوگیری از سرایت بهار عربی به منطقه آسیای مرکزی انجام دادند. این در شرایطی است که کشورهای منطقه خاورمیانه علیه همدیگر کار می‌کردند" (Hinnebusch, 2016).

^۱. Raymond Hinnebusch

دلایل اهمیت آسیای مرکزی و قزاقستان در اتحاد پیرامونی جدید

سیاسی: فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و متعاقب آن مستقل شدن جمهوری‌های آسیای مرکزی منجر به شکل‌گیری نوعی رقابت برای نفوذ در این منطقه شد که در بسیاری از متون مربوط به تحولات آسیای مرکزی از آن به‌عنوان بازی بزرگ جدید^۱ یاد می‌شود. در قالب این بازی بزرگ جدید کشورهای مختلفی با درجات متفاوتی از قدرت سعی در نفوذ و پیش برد اهداف خود در آسیای مرکزی داشتند. در این بین یکی از بازیگران منطقه‌ای که تمایل بسیار زیادی برای برقراری ارتباط با کشورهای آسیای مرکزی داشت و تا حدودی هم در این زمینه موفق عمل کرد، رژیم صهیونیستی بود. با توجه به پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و شکل‌گیری تفسیر جدیدی از اسلام در ایران و نیز اختلافات رژیم صهیونیستی با جهان عرب و با توجه به موضوع فلسطین، برقراری ارتباط عمیق با دنیای خارج از منطقه خاورمیانه برای رژیم صهیونیستی اهمیت به‌سزایی داشت. بررسی اهداف رژیم صهیونیستی در منطقه آسیای مرکزی در سال‌های اولیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی مؤید این امر است. به‌طور کلی سیاست خارجی رژیم صهیونیستی در بعد از فروپاشی شوروی اهداف نه‌گانه‌ای را در آسیای مرکزی دنبال می‌کرد که عبارت بودند از؛ " ۱- جلوگیری از گسترش نفوذ ایران در میان دولت‌های تازه استقلال‌یافته آسیای مرکزی، ۲- از بین بردن تأکید بر جهان عرب در داخل منطقه خاورمیانه بزرگ، ۳- منحرف کردن توجهات نسبت به فرایندهای صلح در خاورمیانه، ۴- حفظ و گسترش روابط با ایالات‌متحده آمریکا، ۵- محدود کردن رژیم‌های مخالف و قهرآمیز نسبت به رژیم صهیونیستی، ۶- تسریع شکل‌گیری دولت‌های اسلامی میانه‌رو و ۷- تشویق و ترغیب برای پیاده‌سازی یک هارتلند اقتصادی، ۸- گسترش و حمایت از آمادگی‌های نظامی و فناوری در کشورهای منطقه از طریق فروش سخت‌افزارهای نظامی ۹- اطمینان در مورد حمایت از اقلیت‌های یهودی و اماکن مقدس " (Boucek, 2004: 71).

با توجه به امتیازهای ارائه‌شده به‌وسیله رژیم صهیونیستی به کشورهای منطقه آسیای مرکزی، دستیابی به این اهداف تا حد زیادی امکان‌پذیر بود. از دید کشورهای آسیای مرکزی، رژیم صهیونیستی کشوری کوچک، اما از لحاظ سیاسی و اقتصادی کشوری پیشرفته‌ای بود که می‌توانست الگویی برای کشورهای تازه استقلال‌یافته این منطقه باشد.

^۱. New Great Game

عدم بلوغ سیاسی، دموکراسی ضعیف و روابط نسبتاً ضعیف با کشورهای دموکراتیک در دوران اولیه استقلال نیز رژیم صهیونیستی را برای بسط نفوذ خود در آسیای مرکزی در جهت تنظیم و طراحی نگرش میانه‌روتری که در وهله اول بتواند در برابر اسلام ارائه‌شده از سوی ایران در آسیای مرکزی مقاومت کند و در وهله دوم از سوق داده شدن کشورهای آسیای مرکزی به سمت بنیادگرایی اسلامی جلوگیری کند، ترغیب می‌کرد. "بنابراین رژیم صهیونیستی نگرش واقع‌گرایانه‌تری نسبت به برقراری ارتباط با کشورهای آسیای مرکزی صرف‌نظر از دموکراتیک یا دیکتاتوری بودن این کشورها اتخاذ کرد و البته قابل‌ذکر است که با استراتژی پیرامونی این کشور هم تطابق داشت. در این زمینه، دولت‌های تازه استقلال‌یافته آسیای مرکزی به‌اتفاق موافق بودند که رژیم صهیونیستی با مزیت‌های دموکراتیک خود ممکن است، ادغام جمهوری‌های تازه استقلال‌یافته را با سیستم جهانی مدرن تسهیل کند. رژیم صهیونیستی از سوی بسیاری از کشورهای منطقه آسیای مرکزی به‌عنوان دروازه‌ای به جهان غرب به‌طور کلی و ایالات‌متحده آمریکا به‌طور خاص در نظر گرفته می‌شد" (Aras, 2013:55).

در سال‌های پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به‌رغم اهمیت کلی منطقه آسیای مرکزی برای رژیم صهیونیستی، برقراری روابط با قزاقستان و ازبکستان اولویت به‌خصوصی در سیاست خارجی رژیم صهیونیستی داشت. رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۹۱ استقلال قزاقستان را به رسمیت شناخت و روابط دیپلماتیک میان دو کشور از سال ۱۹۹۲ به بعد در حال افزایش بوده است. "بند ۱ قانون اساسی ۱۹۹۵ قزاقستان اعلام می‌دارد که جمهوری قزاقستان خود را به‌عنوان دولتی دموکراتیک، سکولار، قانونی و اجتماعی می‌داند که مهم‌ترین ارزش‌های این دولت عبارت هستند از افراد، زندگی آنها، حقوق و آزادی‌های آنها" (Marshall, 2009:7). این ویژگی دولت قزاقستان باعث شده است که فرصت‌های بیشتری برای گسترش روابط رژیم صهیونیستی با قزاقستان فراهم شود. در قالب رقابت‌های منطقه‌ای و برای جلوگیری از تهدیدهای امنیتی علیه موجودیت رژیم صهیونیستی این رژیم به دنبال گسترش روابط با دولت‌های اسلامی است که اولاً، ضدیتی با موجودیت این کشور نداشته و ثانیاً، تفسیری از اسلام دارند که با رویکرد رژیم صهیونیستی به جهان اسلام موافق است. این استراتژی رژیم صهیونیستی منوط به قزاقستان نبوده و روابط دامن‌دار این کشور با دولت‌های سکولاری همچون ازبکستان و آذربایجان در آسیای مرکزی و قفقاز و دولت‌هایی مانند مصر، مراکش و اردن در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا مؤید این امر است.

در قزاقستان به‌عنوان کشور سکولار، نه‌تنها مذاهب و سنت‌های جهانی وجود دارند، بلکه اعتقادات جدید و انجمن‌های شبه‌مذهبی جدید در تعاملات اجتماعی نقش‌آفرینی می‌کنند. این وجود نمی‌تواند با جدیت گفت که جامعه قزاقستان جامعه مذهبی است. قانون جمهوری قزاقستان در مورد "فعالیت‌های مذهبی و انجمن‌های مذهبی"، انجمن‌های مذهبی و باورمندان به این اعتقادات را مجبور کرده است تا موجودیت خود را به‌صورت قانونی درآورند. در قزاقستان نه‌تنها تعداد فرقه‌های سنتی و انجمن‌های مذهبی کاهش یافته است، بلکه فعالیت آنها قانونمند شده است. قانون‌گذاران قزاقستان تلاش می‌کنند تا منافع کل مردم چند فرهنگی قزاقستان را در نظر بگیرند و از حقوق، آزادی و منافع همه شهروندان حمایت کنند. آژانس جمهوری قزاقستان برای امور مذهبی^۱ در تعامل با سازمان‌های مذهبی، محیط مناسبی را برای توسعه روابط قابل قبول میان دولت و مذهب و همچنین حمایت از حقوق همه مذاهب به وجود آورد. با توجه به ماهیت سکولار دولت، نهادهایی مانند "آژانس برای امور مذهبی" روابط میان دولت و نهادهای مذهبی و نیز شهروندان را تنظیم می‌کنند (Zhanazarova and Nurbekova, 2015:2-3).

قانون اساسی ابزار بسیار مهمی برای دولت در زمینه تنظیم روابط مذهبی میان دولت و جامعه و همچنین روابط بین مذاهب مختلف است. نگاهی به برخی از مواد قانون اساسی کشور قزاقستان مؤید این امر است. "علاوه بر این، ماده ۱ قانون اساسی قزاقستان این کشور را دولت سکولار و متکی به قانون معرفی می‌کند، ماده ۵ قانون اساسی، شکل‌گیری و فعالیت هرگونه انجمن‌های عمومی با هدف یا اقدام برای تحریک اقدام‌های نژادپرستی، فعالیت‌های مذهبی، فرقه‌ای و دشمنی‌های قبیله‌ای را ممنوع کرده است. همچنین بر اساس تبصره ۵، ماده ۵ همین قانون، فعالیت انجمن‌های مذهبی خارجی در داخل مرزهای جمهوری قزاقستان و هرگونه انتصابات از سوی آنها باید در هماهنگی و تطابق با قانون اساسی کشور باشد. ماده ۱۹ بیان می‌کند که هر فرد این حق را دارد که وابستگی‌های مذهبی، حزبی و ملی را نشان دهد یا ندهد. ماده ۲۰ نیز تصریح می‌کند که هرگونه تبلیغات برای برجسته کردن هویت‌های مذهبی، ملی، قبیله‌ای در جهت برتری دادن خود بر دیگری ممنوع است و ماده ۲۲ در ارتباط با آزادی وجدان است. این ماده تصریح می‌کند که هر فرد باید آزادی وجدان داشته باشد. آزادی وجدان به‌طور سنتی متضمن برخورداری از حق آزادی مذهب و اعتقادات است (Podoprighora, 2015:441).

^۱. The Agency for Religious Affairs of the Republic of Kazakhstan

فرهنگی و اجتماعی: دولت رژیم صهیونیستی با معرفی خود به‌عنوان میهن یهودیان جهان تلاش‌های بسیاری را در زمینه ترغیب یهودیان جهان برای مهاجرت به رژیم صهیونیستی انجام داده است. تحولات اروپای شرقی و نیز فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی فرصت جدیدی برای رژیم صهیونیستی در جهت برقراری ارتباط با یهودیان ساکن در آسیای مرکزی و قفقاز بود. در رویکرد رژیم صهیونیستی به کشورهای تازه استقلال‌یافته آسیای مرکزی و همچنین توسعه روابط با این کشورها، مسئله آینده سیاسی یهودیان منطقه و تلاش در جهت ترغیب آنها برای حمایت از سیاست‌های اتخاذشده از سوی رژیم صهیونیستی در منطقه سهم به‌سزایی دارد.^۱ علاوه بر جمعیت‌های باستانی یهودی همچون یهودیان بخارایی در منطقه آسیای مرکزی، یهودیان دیگری در این منطقه ساکن هستند که در اثنای جنگ جهانی دوم از لهستان و کشورهای بالتیک مهاجرت داده‌شده‌اند. با وخیم‌تر شدن اوضاع سیاسی-اقتصادی منطقه در دوره بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، یهودیان منطقه به سایر نقاط جهان از جمله آمریکا، کانادا و رژیم صهیونیستی مهاجرت کردند و پس از سال ۱۹۹۰ نیز فدراسیون روسیه و دیگر جمهوری‌های آسیای مرکزی با مهاجرت‌های دسته‌جمعی یهودیان به رژیم صهیونیستی مواجه شدند؛ این مهاجرت‌ها نقش به‌سزایی در ورود رژیم صهیونیستی به آسیای مرکزی و کسب نفوذ در منطقه ایفا کرده است^۲ (پورتاش، ۱۳۸۵، ۶۳).

جمعیت یهودی آسیای مرکزی به دو گروه عمده تقسیم می‌شود، یهودیان آسیای مرکزی که اغلب تحت عنوان یهودیان بخارایی^۱ شناخته می‌شوند و یهودیان اشکنازی^۲ یا یهودیان روسی. سابقه سکونت یهودیان بخارا در آسیای مرکزی به قرن ۵ میلادی بازمی‌گردد. یهودیان بخارایی به طور عمده در مرزهای ازبکستان امروزی ساکن هستند و شهرهایی نظیر سمرقند و بخارا محل سکونت این دسته از یهودیان است. با این‌وجود در مناطقی مانند دره فرغانه^۳ و در شهرهای تاجیکستان نیز یهودیان بخارایی زندگی می‌کنند. یهودیان اشکنازی نیز به طور عمده در تاشکند، یکی از بزرگ‌ترین مراکز صنعتی و روسیه و همچنین در بسیاری از پایتخت‌ها و مراکز صنعتی جمهوری‌های آسیای مرکزی سکونت

^۱. Bukharan Jews

^۲. Ashkenazi Jews

^۳. Fergana Valley

دارند. در مقایسه با یهودیان اشکنازی، یهودیان بخارایی به خوبی در آداب، سنت‌ها و همچنین محیط زندگی کشورهای آسیای مرکزی ادغام شده‌اند (Levin, 2016).

ارتباط با یهودیان آسیای مرکزی و به‌ویژه استفاده از ظرفیت‌های جغرافیایی بخارا در زمینه توسعه روابط اقتصادی با کشورهای نظیر چین و اروپا سهم به سزایی در نگرش رژیم صهیونیستی به یهودیان آسیای مرکزی دارد. بخارا از جمله مهم‌ترین شهرهای حوزه جاده ابریشم بوده و نقش به سزایی در گسترش و رونق این مسیر تجاری داشته است. "بخارا بیش از ۲۵۰۰ سال عمر دارد و در دوران اوج مسیر جاده ابریشم کاروان‌های بسیار بزرگی از سراسر جهان در این شهر اتراق می‌کردند. افسانه‌های مربوط به آبادی‌های جادویی مربوط به این منطقه است. در دوران کنونی نیز بخارا به‌عنوان قلب بسیاری از مسافرت‌های فصلی در نظر گرفته می‌شود" (Polonskay, 2013). بخارا به دلیل جایگاه جغرافیایی مناسب، یعنی قرار گرفتن در مسیر راه ابریشم و وجود بازارهای فراوان در آن و به دلیل رونق اقتصادی و تجاری از سوی مسلمانان مدینه التجار^۱ نامیده می‌شد. بخارا در همه دوره‌های تاریخی شهر مهمی برای عرضه کالاهای چین و آسیای غربی بوده است (زمانی محجوب، ۱۳۸۸).

افراییم اینبار^۲ استدلال می‌کند که "به‌طور کلی، رژیم صهیونیستی تلاش می‌کند تا از پناهندگان یهودی به‌عنوان عاملی برای نفوذ در افکار عمومی و دولت داخلی در جهت حمایت از اهداف خارجی خود استفاده کند. وجود پناهندگان یهودی در هر کشوری فعالیت دولت رژیم صهیونیستی در آن کشور را تسهیل می‌کند. این ارتباط با یهودیان در سیاست خارجی رژیم صهیونیستی به دلایل کاملاً روشن مستند نشده است. یک نگاه سطحی در ابتدا شاید چنین تصویری را به وجود آورد که روابط خارجی رژیم صهیونیستی از آن گریزان است، اما باید این موضوع را مدنظر قرارداد که این رژیم صهیونیستی است که در مورد موضوعات تصمیم می‌گیرد و در بسیاری از موارد این یک نوع استراتژی است که رژیم صهیونیستی چگونه از اقلیت‌ها و یهودیان محلی در جهت منافع خود استفاده کند" (Inbar, 1990: 168). یتزهاک معلم^۳ نیز عقیده دارد که "دولت رژیم صهیونیستی در دو سطح عمل می‌کند، سطح کلی یهودیت و سطح وجودی دولت. در سطح کلی یهودیت، رژیم صهیونیستی به‌عنوان دولت

^۱. Merchants City

^۲. Efraim Inbar

^۳. Yitzhak Mualem

صهیونیستی - یهودی اقدام‌های ویژه‌ای را برای حفظ ملیت قومی یهودیان خارج از کشور انجام می‌دهد. دولت با جمعیت‌های یهودی خارج از کشور در جهت رفاه، گسترش آموزش‌های یهودی در میان آنها و نیز افزایش هویت یهودی آنها همکاری می‌کند. اما در همان زمان مهم‌ترین تلاش دولت رژیم صهیونیستی مربوط به سطح وجودی است که دولت رژیم صهیونیستی تلاش می‌کند تا یهودیان خارج از کشور را بسیج کند. رژیم صهیونیستی از همه یهودیان، شهروندان و غیرشهروندان دعوت می‌کند که در طرح صهیونیست مشارکت کنند. هدف مشترک جمعیت یهود به‌طور کلی ساختن ملت، دولت - ملت است" (Mualem, 2004: 55).

قزاقستان در کنار کشورهایی مانند ازبکستان و آذربایجان از جمله کشورهایی هستند که رژیم صهیونیستی تلاش می‌کند از طریق توسعه روابط سیاسی - اقتصادی با آنها اهداف خود چه در زمینه بهبود وضعیت سیاسی پناهندگان یهودی در کشورهای مذکور و چه در زمینه بسترسازی برای تشکیل دولت - ملت یهودی - صهیونیستی را محقق سازد. "تعداد جمعیت یهودی قزاقستان در حال حاضر ۳۳۰۰ نفر است. در حالی که این بیشتر از جمعیت یهودی تاجیکستان، ترکمنستان و قرقیزستان است، کمتر از جمعیت یهودی ازبکستان (۴۲۰۰) و جمعیت یهودی جمهوری آذربایجان (۸۸۰۰ نفر) است. همچنین بر اساس آمار سفیر سابق رژیم صهیونیستی در قزاقستان، می - آ می^۱ که خود نیز متولد قزاقستان است، حدود ۱۰ هزار نفر در حال حاضر در قزاقستان سکونت دارند. بیشتر جمعیت یهودی در مرکز قزاقستان، آلماتی قرار دارند" (Feiler and Lim, 2014:24).

بسیاری از کارشناسان عقیده دارند که یکی از جنبه‌های پنهان روابط رژیم صهیونیستی با آسیای مرکزی به واسطه نقش بسیار مهم یهودیان آسیای مرکزی چه در داخل منطقه آسیای مرکزی و چه در خارج آن است. استناد این کارشناسان به اظهارات مقامات سیاسی کشورهای آسیای مرکزی است که نگرش مثبتی را به روابط با رژیم صهیونیستی نشان داده‌اند. به‌عنوان مثال "سرگئی ترشچنکو^۲، نخست‌وزیر قزاقستان در دهه ۹۰ میلادی در جریان بازدید خود از رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۹۲ با توجه به تعداد زیادی از یهودیان که از آسیای مرکزی به رژیم صهیونیستی مهاجرت کردند و همچنین تعداد زیادی از یهودیان که در آسیای مرکزی ساکن بودند، اعضای یهودی هیات نمایندگی خود را، اولین سرمایه‌داران در قزاقستان نامید. وی

^۱ . Israel Miy-Ami

^۲ . Tereschenko

عقیده داشت که ارتباط با یهودیان می‌تواند، مهم‌ترین دارایی رژیم صهیونیستی در تعامل با آسیای مرکزی باشد. همچنین صادق صفاف^۱، اولین معاون وزیر روابط اقتصادی خارجی^۲ ازبکستان عقیده داشت که "بسیاری از یهودیانی که از آسیای مرکزی مهاجرت کرده‌اند در ازبکستان و کشورهای همسایه اقوامی دارند. طی بیش از ۲۰۰۰ سال یهودیان برای ازبکستان کارهای زیادی را انجام داده‌اند" (Maddy-Weitzman Inbar and 2013: 231).

قزاقستان از جمله کشورهای آسیای مرکزی است که جمعیت‌های یهودی توانسته‌اند از طریق جلب حمایت دولت به فعالیت‌های سیاسی-فرهنگی و اقتصادی بپردازند.^۳ جمعیت یهودی قزاقستان باثبات و سازمان‌دهی شده است. در حال حاضر بیش از ۲۰ سازمان یهودی، هم سکولار و هم مذهبی برای بهبود زندگی فرهنگی و مذهبی یهودیان در قزاقستان فعالیت می‌کنند. انجمن میتزواح^۴، مرکز خید لوباویتچ^۵، کمیته توزیع مشترک و آژانس یهودی^۶ برای رژیم صهیونیستی از مهم‌ترین این سازمان‌ها هستند. در سال ۱۹۹۹ کنگره یهودیان قزاقستان برای یکپارچه‌سازی یهودیان این کشور ایجاد گردید. در سال ۲۰۰۱ نیز مرکز خید لوباویتچ کنیسه، مرکز تجمعی را برای میزبانی همه برنامه‌های مرتبط با یهودیان ایجاد کرد که این برنامه‌ها به طور عمده شامل مدارس روزانه یهودیان، توزیع بسته‌های غذایی، مراقبت‌های اولیه و کمپ‌های تابستانی برای کودکان بود. خید همچنین به‌عنوان سازمانی ملی برای انجمن جوامع یهودی قزاقستان عمل می‌کند" (Oreck, 2011).

اقتصادی: گسترش روابط اقتصادی خارجی، بخش انکارناپذیری از راهبردهای اقتصادی رژیم صهیونیستی برای حفظ حیات آن است. اقتصاد رژیم صهیونیستی بیش‌تر متکی به تجارت بین‌المللی است و صادرات و واردات کالا و خدمات بخش مهمی از اقتصاد رژیم صهیونیستی را تشکیل می‌دهند. بازارهای داخلی کوچک و محدود بودن منابع طبیعی باعث شده است که رژیم صهیونیستی تمایل زیادی برای برقراری روابط اقتصادی با کشورهای مختلف داشته باشد. اقتصاد رژیم صهیونیستی به طور عمده با ویژگی‌هایی نظیر واردات مواد خام، پردازش مواد خام و در نهایت صادرات کالای نهایی به کشورهای مبدأ شناخته می‌شود.^۷ شرایط ژئوپلیتیک، رژیم

^۱ . Sadik Safaev

^۲ . Ministry of Foreign Economic Relation

^۳ . Mitzvah Association

^۴ . Chabad Lubavitch

^۵ . Joint Distribution Committee and Jewish Agency

صهیونیستی را مجبور کرده است که به دنبال گسترش بازارهای خارجی بوده و همانند یک اقتصاد جزیره‌ای عمل کند. از آنجا که رژیم صهیونیستی با بیشتر همسایگان خود اختلاف دارد و نمی‌تواند از بازارهای آنها به‌خوبی استفاده کند، مجبور است برای واردات و صادرات این همسایگان را دور بزند. در چنین شرایطی، تصمیم‌گیرندگان و بازیگران بخش خصوصی رژیم صهیونیستی به دنبال ایجاد کردن اقتصادی هستند که قادر به رقابت کردن در بازارهای بین‌المللی باشد" و این به طور دقیق همان چیزی است که در استراتژی پیرامونی به آن اشاره شده است (Catarivas, 2015).

از طرفی، آسیای مرکزی از جمله مناطقی است که به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک خود جایگاه ویژه‌ای در راهبردهای اقتصادی رژیم صهیونیستی مبنی بر گسترش نقش خود در بازارهای جهانی دارد. به لحاظ موقعیت جغرافیایی، آسیای مرکزی در حدفاصل اروپا در غرب، آسیا در شرق، روسیه در شمال و جهان اسلام در جنوب قرار گرفته است. کشورهای این منطقه محصور در خشکی هستند و تنها به واسطه خاک کشورهای هم‌جوار با آب‌های آزاد دسترسی دارند. منطقه آسیای مرکزی همچنین به دلیل دارا بودن منابع طبیعی از جمله نفت و گاز اهمیت به خصوصی دارد. "یکی از دلایل اهمیت منطقه آسیای مرکزی وجود منابع هیدروکربن است. قزاقستان ۳۰ میلیارد بشکه نفت ذخیره شده دارد. اگرچه این حدود یک‌هشتم منابع موجود در عربستان است با این وجود با قیمت جهانی فعلی این میزان از ذخایر حدود ۲/۵ تریلیون دلار ارزش دارد. ترکمنستان نیز حدود ۲۶۵ تریلیون مترمکعب گاز طبیعی دارد. این میزان منابع باعث شده است که ترکمنستان در میان پنج کشور برتر تولیدکننده گاز طبیعی قرار بگیرد" (Denoon, 2016).

علاوه بر موقعیت جغرافیایی منحصربه‌فرد، آسیای مرکزی به دلایل دیگری نیز برای رژیم صهیونیستی حائز اهمیت است. "آسیای مرکزی از جمله مناطقی است که دارای کارگرهای به نسبت ارزان ولی بامهارت است. منطقه همچنین ظرفیت بالقوه‌ای برای ایجاد بازار کالاهای تخصصی مانند ماشین‌آلات، تولیدات شیمیایی و پلاستیکی دارد. از طریق گسترش بازارهای خارجی در آسیای مرکزی رژیم صهیونیستی می‌تواند، شرایط بهتری را برای یهودیان ساکن در آسیای مرکزی فراهم کند. به دلیل اینکه رژیم صهیونیستی با کشورهای نظیر ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، کانادا، ترکیه، هلند، اسلواکی و جمهوری

چک، مشارکت تجارت آزاد دارد می‌تواند فرصت‌های بیش‌تری را برای دولت‌های آسیای مرکزی جهت گسترش نقش خود در بازار جهانی فراهم کند" (Blua, 2001).

اگرچه در سال‌های اخیر روابط اقتصادی رژیم صهیونیستی با کشورهای آسیای مرکزی رو به افزایش بوده است ولی بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی قزاقستان یکی از ارکان اصلی راهبردهای اقتصادی رژیم صهیونیستی در این منطقه بوده است. " رژیم صهیونیستی پنجمین شریک تجاری بزرگ آسیای قزاقستان است و در نیمه اول ۲۰۱۶ میزان تجارت بین دو کشور با ۳۶ درصد افزایش به ۳۸ میلیون دلار رسید" (Sandiegouniontribune, 2016). صنعت نفت و کشاورزی بخش عمده‌ای از همکاری‌های اقتصادی رژیم صهیونیستی و قزاقستان را تشکیل می‌دهد. " رژیم صهیونیستی ۲۵ درصد از نفت موردنیاز خود را از قزاقستان تأمین می‌کند" (Ramani, 2016). بر اساس آمار کمیته وزارت انرژی قزاقستان حجم مبادلات تجاری دوجانبه بین قزاقستان و رژیم صهیونیستی برای ژانویه- دسامبر ۲۰۱۶ به حدود ۳۰۱/۹ میلیون دلار رسید که از این مقدار میزان صادرات ۲۳۵/۵ میلیون دلار و میزان واردات ۶۶/۳ میلیون دلار بود. برای ۱۲ ماه سال ۲۰۱۵، میزان ۲۱۹/۰۷۳ میلیون دلار و میزان واردات ۹۲/۰۳۴ میلیون دلار بود. از سال ۲۰۰۵ تا نیمه اول ۲۰۱۶، میزان سرمایه‌گذاری مستقیم از سوی رژیم صهیونیستی در قزاقستان به ۲۱۳/۳ میلیون دلار رسید. مهم‌ترین حوزه‌های این سرمایه‌گذاری مجموعه‌های کشاورزی صنعتی و بخش‌های نفت و گاز بود. در همین دوره زمانی میزان سرمایه‌گذاری مستقیم قزاقستان در رژیم صهیونیستی چیزی در حدود ۱۳/۵ میلیون دلار بود (Government.kz, 2017).

رژیم صهیونیستی وابسته به واردات نفت است و به دلیل اینکه دسترسی کاملی به نفت خاورمیانه ندارد، تلاش می‌کند از طریق برقراری ارتباط با کشورهای دارای نفت خارج از منطقه خاورمیانه نظیر قزاقستان و جمهوری آذربایجان در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز امنیت عرضه نفت را برای خود تأمین کند. به همین دلیل است که رژیم صهیونیستی از ایجاد خط لوله باکو- تفلیس- جیپهان حمایت می‌کرد. رژیم صهیونیستی به دنبال بهره‌برداری از طرح‌های طراحی شده برای انتقال نفت و گاز حوزه دریای خزر و آسیای مرکزی به بازارهای غربی و همچنین تنوع بخشیدن به عرضه منابع انرژی و به دست آوردن حجم بسیار گسترده‌ای از این منابع باقیمت مناسب است. " ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا به دنبال شکستن تسلط روسیه بر مسیرهای صادراتی حوزه دریای خزر و آسیای مرکزی و کاهش وابستگی اتحادیه اروپا به منابع

انرژی تحت تسلط روسیه هستند. نمود بارز این تمایل، رضایت اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا در شکل‌گیری خط لوله نفت باکو-تفلیس-جیهان و همچنین طرح‌های خط لوله گاز قفقاز جنوبی در کریدور جنوبی بود. مسیرهای صادراتی کریدور جنوبی قبل از رسیدن به بازارهای غربی از ترکیه عبور می‌کنند، اگر خطوط لوله نفت و گاز زیردریای ساخته شوند ترکیه و رژیم صهیونیستی را از طریق قبرس به هم متصل می‌کند و رژیم صهیونیستی و غرب می‌توانند تا حد زیادی سلطه روسیه بر مسیرهای صادراتی از طریق مسیرهای جریان آبی^۲ و نیز خط لوله نفت سامسون-جیهان^۱ را به چالش بکشند" (Cohen and DeCorla-Souza, 2011: 28-29).

جدول‌های زیر نشان می‌دهد که تولید نفت خام رژیم صهیونیستی در سال‌های اخیر رشد نکرده است، اما مصرف نفت خام آن با رشد چشمگیری روبه‌رو بوده است. لذا افزایش مصرف نفت خام موجب شده تا وابستگی این رژیم به واردات نفت خام در این سال‌ها افزایش یابد.

تولید نفت خام در رژیم صهیونیستی از ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۷

واحد	تاریخ	پایین‌ترین	بالاترین	قبلی	فعلی
هزار بشکه در روز ^۳	۲۰۱۷-۱۹۹۴	۰/۰۶	۰/۴۰	۰/۴۰	۰/۴۰

Source: <https://tradingeconomics.com/israel/crude-oil-production>

مصرف نفت خام در رژیم صهیونیستی از ۱۹۶۵ تا ۲۰۱۶

واحد	تاریخ	پایین‌ترین	بالاترین	قبلی	فعلی
هزار بشکه در روز	۲۰۱۶-۱۹۶۵	۷۶/۰۰	۲۹۴/۸۶	۲۴۶/۶۶	۲۵۱/۳۷

Source: <https://www.ceicdata.com/en/indicator/israel/oil-consumption>

^۱. Blue Stream II

^۲. Samsun-Ceyhan Oil Pipeline

^۳. تولید نفت خام در رژیم صهیونیستی در ماه‌های اخیر بدون تغییر مانده است (۰/۴۰ هزار بشکه در روز). تولید نفت خام رژیم صهیونیستی در بین سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۷ به‌طور میانگین ۰/۲۰ هزار بشکه در روز بوده است. بالاترین رکود تولید مربوط به ژانویه با ۰/۴۰ هزار بشکه در روز و پایین‌ترین میزان تولید با ۰/۰۶ هزار بشکه در روز در ژانویه ۲۰۰۳ بوده است.

روابط رژیم صهیونیستی و قزاقستان / ۱۱۷

سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی به‌ویژه در زمینه کشاورزی تجاری از حوزه‌های موردعلاقه قزاقستان و رژیم صهیونیستی است. بیشتر جمعیت کشورهای آسیای مرکزی دهقان هستند و این امر باعث شده است که کشاورزی سهم عمده‌ای در تولید ناخالص داخلی و همچنین نیروی کار کشورهای آسیای مرکزی داشته باشد. جدول زیر این اهمیت را نشان می‌دهد:

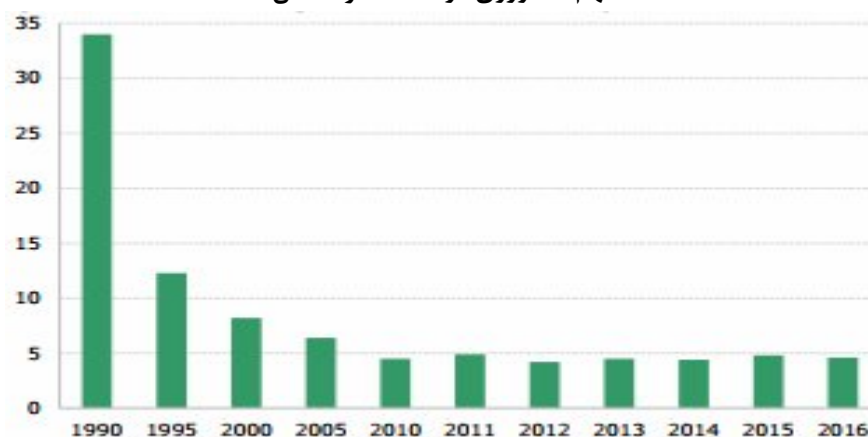
سهم کشاورزی در اقتصاد کشورهای آسیای مرکزی

کشور	نیروی کار کشاورزی (در هزار)	سهم کشاورزی در تولید ناخالص داخلی ۲۰۱۲، درصد	جمعیت روستایی درصدی از کل ۲۰۱۳
قزاقستان	۲,۲۰۰ (۲۰۱۲)	۴.۷	۴۷
قرقیزستان	۷۰۰ (۲۰۱۱)	۱۹.۵	۶۵
تاجیکستان	۱,۵۲۰ (۲۰۱۲)	۲۶.۲	۷۳
ترکمنستان	۱,۰۱۷ (۲۰۰۴)	۱۴.۵	۵۱
ازبکستان	۳,۳۲۳ (۲۰۱۲)	۱۸.۹	۶۴

Source: Pomfret, 2016: 107

کشاورزی برای کاهش فقر و همچنین ایجاد ثروت برای کشورهای آسیای مرکزی امری حیاتی است. به‌رغم وابستگی تولید ناخالص داخلی قزاقستان به بخش صنعت و خدمات این کشور برای کاستن از وابستگی اقتصادی به منابع طبیعی از جمله نفت و همچنین برای تأمین امنیت غذایی نیازمند سرمایه‌گذاری بیش‌تر در زمینه کشاورزی و به‌خصوص کشاورزی تجاری است.

سهم کشاورزی در اقتصاد قزاقستان



Source: Kurmanbekov, Temirkhanov, 2017: 3

به‌رغم کاهش تأثیرگذاری کشاورزی در اقتصاد قزاقستان این کشور تلاش دارد از طریق سرمایه‌گذاری بیش‌تر در این بخش سهم کشاورزی را افزایش دهد. در پایان سال ۲۰۱۶ برنامه دولتی برای حمایت از بخش کشاورزی- صنعتی ۲۰۱۷-۲۰۲۱ تدوین شد. با توجه به شرایط سخت مالی دولت هزینه‌های برنامه جدید به ۱,۱ تا ۱,۷ تریلیون کاهش یافت. در مجموع قرار بود ۲,۴ تریلیون به این بخش در سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۲۱ اختصاص داده شود. قبل از این نیز برنامه‌هایی نظیر "کشاورزی تجاری ۲۰۲۰"^۱ تدوین شده بود که دولت قزاقستان تلاش داشت در بین سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۲۰، ۲/۸ تریلیون برای تقویت بخش کشاورزی اختصاص دهد (Kurmanbekov, Temirkhanov, 2017: 2).

با توجه به این‌که رژیم صهیونیستی از جمله کشورهای است که در زمینه فناوری‌های مربوط به کشاورزی از توانایی‌های زیادی برخوردار است، مقامات قزاقستان از جمله رئیس‌جمهور قزاقستان تمایل زیادی به همکاری‌های دو کشور در زمینه کشاورزی دارند ". توانایی بالای رژیم صهیونیستی در آبیاری قطره‌ای، پرورش دام، تولید ادوات و تجهیز آلات کشاورزی و همچنین بهینه‌سازی نیروی انسانی در این زمینه‌ها از جمله دلایل گرایش مقامات قزاقستان برای برقراری ارتباط با رژیم صهیونیستی است. بهینه‌سازی سرمایه‌های تولیدی و انسانی برای گذار اقتصاد دستوری قزاقستان به اقتصاد بازار، امری حیاتی است " (Feiler and lim, 2012: 21).

تمایل قزاقستان به همکاری در بخش کشاورزی را می‌توان از تأکیده‌های سلطان نظربایف، رئیس‌جمهور قزاقستان بر همکاری اقتصادی به‌ویژه در بخش کشاورزی در دیدار خود با بنیامین نتانیاهو در دسامبر ۲۰۱۶ در آستانه مشاهده کرد. نور سلطان نظربایف در این دیدار تأکید داشت که " امروز ما می‌توانیم در مورد طیف گسترده‌ای از موضوعات از جمله همکاری‌های دوجانبه در زمینه اقتصاد، سیاست و مبارزه با تروریسم بحث کنیم. دیدار و گسترش تجارت با رژیم صهیونیستی می‌تواند، روابط تجاری رژیم صهیونیستی و قزاقستان را به سطح جدیدی انتقال دهد. وی در صحبت با نتانیاهو بیان داشت که کشاورزی مهم‌ترین مسئله‌ای است که من در دیدارهای قبلی هم با شما در میان گذاشته‌ام. ما شرایط منحصربه‌فردی در زمینه توسعه کشاورزی تجاری داریم و در این زمینه فناوری‌هایی که رژیم

¹. Agrobusiness 2020

صهیونیستی در اختیار دارد، می‌تواند کمک‌کننده باشد. رئیس‌جمهور همچنین اضافه کرد که قزاقستان تمایل به اتخاذ شیوه‌های مقرون‌به‌صرفه رژیم صهیونیستی در زمینه آبیاری زمین‌های کشاورزی دارد" (2016Inform.kz).

امنیت: برقراری روابط با کشورهای غیر عرب منطقه خاورمیانه و یا کشورهای مسلمان خارج از منطقه خاورمیانه همواره یکی از اولویت‌های سیاست خارجی رژیم صهیونیستی بوده است. این تمایل در دهه‌های اول شکل‌گیری رژیم صهیونیستی بیشتر از طریق استراتژی اتحاد پیرامونی پیگیری می‌شد که به‌وسیله بن‌گورین (اولین نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی) مطرح شده بود. تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران و ترکیه از جمله کشورهای بودند که در استراتژی اتحاد پیرامونی رژیم صهیونیستی جایگاه ویژه‌ای داشتند. با پیروزی انقلاب اسلامی و تبدیل شدن ایران به یکی دیگر از دشمنان اصلی رژیم صهیونیستی این کشور مجبور شد که برای جایگزینی متحدان خود در منطقه خاورمیانه به سمت مناطق دیگر از جمله آسیای مرکزی حرکت کند. در این بین فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و شکل‌گیری جمهوری‌های مستقل آسیای مرکزی فرصت مناسبی را در اختیار رژیم صهیونیستی برای گسترش استراتژی اتحاد پیرامونی خود قرارداد.

از سال ۲۰۰۸ به بعد و در اثر تحولات صورت گرفته در آسیای مرکزی و قفقاز از جمله گسترش اختلافات بین روسیه و گرجستان حضور رژیم صهیونیستی در آسیای مرکزی روبه افزایش بوده است. "از اواسط سال ۲۰۰۸ وزارت امور خارجه رژیم صهیونیستی تصمیم گرفت، روابط با آسیای مرکزی را فعال کند؛ که با روی کار آمدن دولت ائتلافی بنیامین نتانیاہو، تلاش رژیم صهیونیستی در این منطقه مضاعف شد. به نظر می‌رسد، یکی از اهداف این تلاش در راستای توقف فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای ایران باشد. نتانیاہو امیدوار است با جلب توجه‌ها به ایران به‌عنوان "تهدید کلیدی برای ثبات خاورمیانه" دستور منطقه‌ای را بازتعریف کند و کشورهای آسیای مرکزی و سایر همسایگان جغرافیایی ایران را با خود همراه سازد" (حسین زاده، ۱۳۹۳: ۷۹).

گسترش روابط امنیتی با قزاقستان از چند جهت برای رژیم صهیونیستی حائز اهمیت است که در زیر به چند مورد از آنها اشاره می‌شود.

الف) فقدان یهودستیزی در قزاقستان؛ مسئله یهودستیزی و چالش‌های ارتباط یهودیان با فرقه‌های مذهبی دیگر از جمله مسلمانان و مسیحیان از جمله مسائلی است که در بسیاری

از موارد، روابط خارجی رژیم صهیونیستی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یهودستیزی در دوره‌های زمانی مختلف و در ارتباط رژیم صهیونیستی با خاورمیانه، اروپا، آفریقا و مناطق دیگر تأثیرگذار بوده است ولی بعد از شروع اختلافات رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی و به‌ویژه اقدامات این کشور در فلسطین شدت اثرگذاری این موضوع در روابط رژیم صهیونیستی با خاورمیانه و جهان اسلام حائز اهمیت بوده است. "یهودستیزی در خاورمیانه از قرن بیستم به بعد شدت یافته است که منجر به حملات خشونت‌آمیز علیه یهودیان و به غارت بردن اموال و دارایی‌های آنها شده است. یکی از مهم‌ترین دلایل این امر را می‌توان جاه‌طلبی‌های اقتصادی و امپریالیستی دولت‌های اروپایی دانست. حضور این کشورها در منطقه خاورمیانه و متعاقب تبادل ایده‌ها بین مسلمانان و کشورهای مسیحی باعث انتقال یهودستیزی به دوران جدید شد. در همان زمان وجود مشکلات اقتصادی و اجتماعی در منطقه خاورمیانه منجر به سرخوردگی و خشم بیشتر گردید. درک تهدید از جانب صهیونیسم و اختلافات اعراب و رژیم صهیونیستی منجر به ثبات انزجار نسبت به یهودیان گردیده و باعث شیوع یهودستیزی در منطقه خاورمیانه تا به امروز شده است" (Smith, 2010:25).

برخلاف منطقه خاورمیانه، آسیای مرکزی از جمله مناطقی است که در آن یهودی‌ستیزی بسیار کم‌رنگ است و کشورهای این منطقه از جمله قزاقستان ارتباط مناسبی با یهودیان و رژیم صهیونیستی دارند. دولت قزاقستان تلاش می‌کند تحمل مذهبی بیشتری را نسبت به فرقه‌های مذهبی موجود در کشور نشان دهد و به همین دلیل کنیسه‌ها و سازمان‌های یهودی بسیاری در شهرهای قزاقستان از جمله در پایتخت این کشور فعال هستند. قزاقستان تلاش می‌کند به‌عنوان پلی میان کشورهای یهودی و اسلامی عمل کند و برای تحقق این امر طی سال‌های گذشته نشست‌ها و اجلاس‌های متعددی را برای گفت‌وگو میان جمعیت‌های یهودی و اسلامی میزبانی کرده است. "در سال ۲۰۰۲، شهر آلماتی قزاقستان میزبان کنگره اروپا-آسیا^۱ خاخام‌ها بود. هدف این کنگره گسترش استراتژی خاخام‌ها برای تقویت هماهنگی میان مذاهب در مواجهه با برخی از واقعیت‌های دردآور موجود بود. علاوه بر این ارزیابی چگونگی واکنش یهودیان به تغییرات صورت گرفته در قرن ۲۱ هدف دیگر این کنگره بود" (Junaidi, 2015).

^۱. Euro Asian Congress of Rabbis

ب) افزایش نقش بین‌المللی قزاقستان؛ عامل دیگر تأثیرگذار بر تمایل رژیم صهیونیستی جهت همکاری امنیتی بیشتر با قزاقستان افزایش قابل توجه نقش قزاقستان در عرصه بین‌المللی در سال‌های اخیر است. قزاقستان از جمله کشورهایی است که توانسته است از طریق به‌کارگیری سیاست خارجی چندوجهی و برقراری روابط با ثبات با کشورهای نظیر ایالات متحده آمریکا، روسیه و چین و همچنین قدرت‌های منطقه‌ای از جمله ایران، ترکیه و هند، قدرت چانه‌زنی خود را در عرصه بین‌المللی افزایش دهد. " قزاقستان امروز نه تنها یک قدرت بزرگ منطقه‌ای است، بلکه تبدیل به یک بازیگر بین‌المللی شده است. در حال حاضر قزاقستان در بیش از ۷۹ سازمان و اتحادیه بین‌المللی عضویت دارد. سازمان همکاری شانگهای، سازمان همکاری اسلامی، اتحادیه اقتصادی اوراسیا، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، برخی از این سازمان‌ها هستند. علاوه بر این انتخاب قزاقستان به عنوان عضو غیردائم شورای امنیت سازمان ملل متحد برای سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۱۸ نقش قزاقستان را در عرصه بین‌المللی افزایش داده است" (Brodsky, 2016).

افزایش فعالیت قزاقستان در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای و به‌ویژه در زمینه موضوعات هسته‌ای از جمله در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران قابل توجه بوده است. با توجه به اختلافات موجود میان ایران و کشورهای ۵+۱ در زمینه حل‌وفصل مسئله هسته‌ای ایران، قزاقستان تلاش‌های زیادی را برای میزبانی گفت‌وگوها میان طرفین و همچنین میزبانی بانک اورانیوم با غنای پایین^۱ آژانس بین‌المللی انرژی اتمی^۲ جهت کمک به کشورهای منطقه‌ای نظیر ایران انجام داده است. " این بانک متعلق به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بوده و به‌وسیله این نهاد کنترل می‌شود. با این وجود قزاقستان از جمله اولین کشورهایی است که برای میزبانی این بانک داوطلب شده و با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرارداد امضا کرده است. این بانک اورانیوم با غنای پایین قرار است در کارخانه متالورژی اولبا^۳ واقع در اوست-کامنوگورسک^۴ در شرق قزاقستان ایجاد شود. از یک چشم‌انداز واقع‌گرا، بانک اورانیوم با غنای پایین فرصتی برای

^۱ Low Enriched Uranium (LEU) Bank

^۲ International Atomic Energy Agency (IAEA)

^۳ Ulba Metallurgical Plant

^۴ Ust-Kamenogorsk

قزاقستان در جهت افزایش نفوذ خود در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و ارتقاء جایگاه خود به‌عنوان رهبر جنبش عدم‌تکثیر^۱ سلاح‌های هسته‌ای است" (Puchyk, 2017)

در عرصه بین‌المللی قزاقستان از طریق به‌کارگیری سیاست خارجی چندوجهی که شامل برقراری ارتباط مؤثر با همه بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آسیای مرکزی است، تلاش می‌کند به‌عنوان یک عامل توازن‌دهنده عمل کند. چنین سازوکاری را می‌توان در مورد سیاست‌های اتخاذی قزاقستان در مورد برقراری ارتباط با جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی مشاهده کرد. "به‌طور کلی قزاقستان تلاش می‌کند، شکاف‌های ایجادشده بین ایران و رژیم صهیونیستی را پر کند. نور سلطان نظربایف به دنبال برقراری ارتباط با ایران و رژیم صهیونیستی در زمینه‌هایی است که به نفع دولت قزاقستان باشد و بتواند توازن منطقه‌ای را حفظ کند. در حالی که قزاقستان رابطه خود را با رژیم صهیونیستی به‌عنوان منبعی برای گسترش فناوری و توسعه تجاری در نظر می‌گیرد، ارتباط با ایران با سیاست‌های منع گسترش و خلع سلاح و همچنین ترانزیت کالا و خدمات قزاقستان سروکار دارد" (Karasik, 2017).

نتیجه‌گیری

رژیم صهیونیستی اهداف و انگیزه‌های متعددی برای گسترش و حفظ روابط دوجانبه یا چندجانبه با کشورهای منطقه آسیای مرکزی دارد. علاوه بر بسترسازی برای شکل دادن به منطقه‌ای عاری از خطر و نیز مقابله با تهدیدهای آتی نسبت به رژیم صهیونیستی، هیچ‌شکی وجود ندارد که چنین حضوری فرصت‌های جدیدی را برای رژیم صهیونیستی در زمینه توازن سازی در مقابل بازیگران رقیب از جمله حضور ایران در این منطقه فراهم می‌کند. با توجه به این‌که در استراتژی پیرامونی جدید بعد اقتصادی روابط رژیم صهیونیستی با دولت‌های دیگر برجستگی زیادی دارد؛ ظرفیت بالقوه آسیای مرکزی در زمینه تولید و توزیع منابع طبیعی از جمله نفت و گاز چشم‌انداز بسیار مناسبی را برای آینده استراتژی پیرامونی جدید رژیم صهیونیستی فراهم می‌کند. قزاقستان و ترکمنستان که دارای ذخایر قابل‌توجهی از منابع طبیعی هستند و می‌توانند در سال‌های آتی نیاز رژیم صهیونیستی به این منابع طبیعی را تأمین کنند در استراتژی جدید رژیم صهیونیستی جایگاه ویژه‌ای دارند. شکل‌گیری ابتکارات ژئوپلیتیک در منطقه آسیای مرکزی از جمله راه‌بریشم جدید در این منطقه رژیم

^۱. Non Proliferation

صهیونیستی را برای گسترش روابط با منطقه بیش تر تحریک می کند. رژیم صهیونیستی در استراتژی جدید به دنبال گسترش به فراسوی منطقه خاورمیانه است و با استفاده از این ابتکارات می تواند از فرصت های ارتباطی بین آسیا و اروپا و همچنین آفریقا بهره برداری کند. روابط نزدیک با کشورهای مسلمان آسیای مرکزی و به ویژه قزاقستان که هیچ گونه خصومتی علیه رژیم صهیونیستی ندارند و در سیاست خارجی خود تلاش می کنند، منافع متقابل را در نظر بگیرند و همچنین میراثی از همزیستی مسالمت آمیز بین مسلمانان و یهودیان را دارند به رژیم صهیونیستی کمک می کند تا حلقه های خصومتی که در بعد منطقه ای و بین المللی برای این دولت به وجود آمده است را بشکند و فرصت های جدیدی را برای نقش آفرینی در سیستم بین المللی برای خود تدارک ببیند. حضور نخست وزیر رژیم صهیونیستی بنیامین نتانیاهو از منطقه و دیدار با رهبران کشورهای قزاقستان و آذربایجان در سال ۲۰۱۶ و امضای توافق نامه های اقتصادی با این کشورها نشان دهنده تلاش دولت رژیم صهیونیستی برای تعمیق روابط با کشورهای این منطقه است.

علاوه بر همراهی رژیم صهیونیستی با ابتکارات ایالات متحده آمریکا در منطقه آسیای مرکزی که رغبت کشورهای منطقه آسیای مرکزی را برای همکاری با این دولت ها را افزایش می دهد، وجود برخی ویژگی ها در دولت رژیم صهیونیستی همکاری و ارتباط این دولت با کشورهای منطقه آسیای مرکزی را تسهیل می کند. به رغم تحولات سیاسی منطقه خاورمیانه و به وجود آمدن چالش های جدید در این منطقه؛ در سال ۲۰۱۶ رژیم صهیونیستی رشد اقتصادی قابل توجهی را تجربه کرد که نشان دهنده ظرفیت های این دولت برای استفاده از فرصت های به وجود آمده در عرصه منطقه ای و بین المللی است. علاوه بر این رژیم صهیونیستی تخصص ویژه ای در زمینه تولید کالاهای تخصصی دارد، به گونه ای که سهم این کالاهای تخصصی در رشد اقتصادی ۲۰۱۶ رژیم صهیونیستی قابل توجه بوده است. نیاز کشورهای آسیای مرکزی به این کالاهای تخصصی به ویژه در زمینه مدرن سازی بخش صنعت و کشاورزی فرصت های اقتصادی جدیدی برای رژیم صهیونیستی برای حضور در منطقه فراهم می کند.

حضور و نقش آفرینی روزافزون رژیم صهیونیستی در منطقه آسیای مرکزی و تعمیق روابط با کشورهایی مانند قزاقستان و آذربایجان به معنی از بین رفتن فرصت های سیاسی و اقتصادی برای سایر بازیگران منطقه ای و به ویژه ایران است. توانایی رژیم صهیونیستی برای شکل دادن به

اتحاد قوی با کشورهای مسلمان آسیای مرکزی نشان‌دهنده سطح بالای مدارای مذهبی در این منطقه است که کشورهای مسلمان این منطقه را از دیگر کشورهای مسلمان متمایز می‌کند.

منابع و مأخذ

- پورتاش، فرات، (۱۳۸۵)، "یهودیان بخارایی و سیاست اسرائیل در قبال آسیای مرکزی، ترجمه جلیل یعقوب زاده فرد، دو فصلنامه / *بیراس*، سال اول، شماره دوم.
- حسین زاده، نصراله، (۱۳۹۳)، "چالش‌های فرامنطقه‌ای فراروی مسلمانان آسیای مرکزی"، فصلنامه پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۵.
- زمانی محبوب، حبیب، (۱۳۸۸)، "جغرافیای تاریخی سمرقند و بخارا"، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پرتابل جامع علوم انسانی، قابل دسترسی در:

www.ensani.ir/fa/content/55657/default.aspx

- Ahmad, Muhammad Idrees (2014), "*The Road to Iraq: The Making of a eoconservative War*", Edinburgh University Press.
- Alpher, Joseph (1989), "*Israel and the Iran-Iraq War*", The Jaffee Center for Strategic Studies, Tel-Aviv University.
- Alpher, Yossi (2013), "*Israel: Alternative Regional Options in a Changing Middle East*", The Norwegian Peacebuilding Resource Centre (NOREF), NOREF Report.
- Aras, Bülent (2013), "*The New Geopolitics of Eurasia and Turkey's Position*" Routledge.
- Ahren, Raphael (2017), "Israel Aims to Become World's 15th-Largest Economy by 2025 Minister", Available at: <http://www.timesofisrael.com>, Accessed on: August 5/ 2017.
- Berti, Benedetta (2013), "*Israel and the Arab Spring: Understanding Attitudes and Responses to the "New Middle East"*", Al Mesbar center for Studies & Research and the Foreign Policy Research Institute.
- Blua, Antoine (2001), "Israel Emerges as a Player in Central Asia", Available at: <http://www.eurasianet.org>, Accessed on: April 14/ 2017
- Boucek, Christopher (2004), "The impact of Israel Foreign Policy in Central Asia: the Case of Uzbekistan", *Central Asia and Caucasus*, Vol. 28, No.2.
- Brodsky, Michel (2016), "Israel-Kazakhstan: From Mutual Interests to Strategic Partnership", Available at: <http://astanatimes.com/2016/12/israel-kazakhstan-from-mutual>, Accessed on: May 11, 2017.
- Catarivas, Dan, (2015), "Israel's External Economic and Trade Policy", Jews Policy Center, Available at:

- <https://www.jewishpolicycenter.org/2015/02/28/israel-economic-trade-polic/>, Accessed on: February 28, 2017.
- Cohen, Ariel, DeCorla-Souza, Kevin (2011), “*Eurasian Energy and Israel’s Choices*”, The Begin-Sadat Center for Strategic Studies, Bar-Ilan University, Mideast Security and Policy Studies No. 88.
- Denoon, Dan, (2016), “The Strategic Significant of Central Asia”, Available at: <http://www.worldfinancialreview.com>, Accessed on: Febuary. 4/ 2017.
- Feiler, Gil, Lim, Kevin (2014), “Israel and Kazakhstan Assessing the State of Bilateral Relations”, *The Begin-Sadat Center for Strategic Studies, Bar-Ilan University*, Mideast Security and Policy Studies No. 107.
- Hinnebusch, Raymond, (2016), “Central Asia and the Middle East Are Still Haunted by Their Colonial Pasts”, Available at: <http://muftah.org>, Accessed on: June 20. 2016.
- Inbar, Efraim, (1990), “Jews, Jewishness, and Israel Foreign Policy” *Jewish Political Studies Review*, Vol. 2, No. 3/4.
- Inbar, Efraim, Maddy-Weitzman, Bruce (1997), “*Religious Radicalism in the Greater Middle East*”, Psychology Press.
- Junaidi, Ahmad (2015), “Learning to Tolerate Judaism in Kazakhstan”, Available at: <http://www.thejakartapost.com/news/2015/07/26/>, Accessed on: August 10/ 2017.
- Karasik, Theodore, (2017), “Kazakhstan’s Foreign Policy Balancing Act: Israel and Iran”, Available at: <http://thehill.com>, Accessed on: August 10/ 2017.
- Kassenova, Togzhan (2014), “Kazakhstan and the Global Nuclear Order”, *Central Asian Affairs*, Brill, Volume 1.
- Kostenko, I, Y, (2017), “New Strategy of of Israel”, *MGIO Review of International Relation*, Vol. 1, No (52).
- Kostenko, I, Y, (2016), “New Periphery as a Factor for Strengthening the Position of Israel in the Middle east”, *MGIMO Review of International Relation*, No. 2 .
- Kurmanbekov, Assan, Temirkhanov, Murat, (2017), “Agriculture of khazkstan”, *subsidiary of Halyk Bank*.
- Dassa Kaye. Dalia, Nader, Alireza, Roshan, Parisa, (2011), “*Israel and Iran A Dangerous Rivalry*”, National Defense Research Institute(RAND).
- Kazakhstan Expands Cooperation with Israel in key EconomicS, Available at: <http://www.government.kz>, Accessed on : April18/ 2017.
- Kazakhstan, Israel to Step up Agricultural Cooperation, Available at: <http://www.inform.kz> , Accessed on: April18/ 2017.
- Kazakhstan, Israels bridge to Muslim World, Available at: <https://www.ijn.com>, Accessed on: April15/ 2017.
- Laruelle, Marlene, Peyrouse, Sébastien (2015), “*Globalizing Central Asia: Geopolitics and the Challenges of Economic Development*”, Routledge.

- Levin, Zeev, (2016), "Jews in Central Asia", Oxford Bibliographies, Available at: <http://www.oxfordbibliographies.com>, Accessed on: April/ 2017.
- Marshallsay, Zaniah, (2009), "The State and Islam in Kazakhstan and Tajikistan – Managing Religion in a Secular Environment", *Australasian Political Studies Association Annual Conference*, Macquarie University.
- Mualem, Yitzhak, (2004), "Between a Jewish and an Israeli Foreign Policy: Israel-Argentina Relations and the Issue of Jewish Disappeared Persons and Detainees under the Military Junta, 1976-1983", *Jewish Political Studies Review*, Vol.16, No.1-2.
- Murinson, Alexander, (2014), "The Ties between Israel and Azerbaijan", the Begin-Sadat Center for Strategic Studies, *Mideast Security and Policy Studies*, No. 110.
- Oreck,Alden, (2011), "Kazakhstan Virtual Jewish History Tour" Available at: <http://www.jewishvirtuallibrary.org>, Accessed on: April10/ 2017.
- Pomfret, Richard, (2016), "Modernizing Agriculture in Central Asia", *Global Journal of Emerging Market Economies*, Vol. 8, No (2).
- Puchyk, K, (2017), "Kazakhstan: A Leader in Global Nuclear Policy?", Available at : <http://thebulletin.org/> , Accessed on: 23 August 2017.
- Podoprigora, Roman, (2015), "Kazakhstan: National Report for the 2010 IACL Congress", Series of Religion and the Secular State", *The 19th World Congress of the International Academy of Comparative Law*, Held in Vienna in July 2014.
- Polonskaya, Galina , (2013), "Discover the Secrets of the Silk Road in Bukhara", Available at: <http://www.euronews.com>, Accessed on: 23 April/ 2017.
- Ramani,Samuel(2016),"TheIsrael-Kazakhstan Partnership",Availableat: <http://thediplomat.com/>, Accessed on: 1 April/ 2017.
- Smith, Robert Walsh, (2010), "Modern Anti-Semitism in the Middle East" *M.A Thesis*, Boston College Arts and Sciences Honors Program.
- Trade between Israel, Kazakhstan up 36 pct. in First Half of 2016, Available at: <http://www.sandiegouniontribune.com>, Accessed on: June 12/ 2017.
- Vameghi Vessali, Behrang, (2010), "Iranian-Israeli Relations in Light of the Iranian Revolution", *M.A thesise*, The University of Texas at Austin.
- Zhanazarova, Zaure, Nurbekova, Zhanar, (2015), "Secularism is a guarantee of the Development of Kazakhstan's Society (Sociological Vision)", *The European Proceedings of Social & Behavioural Sciences*.